

Lived Experience of Adolescents of Families with Marital Conflict in Iran

Zahra Khavaninzade  *

PhD Student, Department of Counseling,
Faculty of Education and Psychology,
Alzahra University, Tehran, Iran

Roya Rasouli 

Associate Professor, Department of
Counseling, Faculty of Education and
Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

Hamid Rezaeian 

Associate Professor, Department of
Counseling, Faculty of Education and
Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Marital conflict is an injury that different families may be involved with. This research was conducted with the aim of identifying the experiences of teenage children exposed to parental marital conflict. The method of the current research was practical and of qualitative phenomenological type. The population of this study included teenage children exposed to parental marital conflict. Sampling was done in a targeted manner and continued until saturation and finally 12 children were selected and the participants were subjected to in-depth semi-structured interviews. In order to analyze the data, Colaizzi method was used. Data analysis led to the identification of 3 main themes, 12 sub-themes and 42 primary concepts. The first main theme, psychological problems, included the sub-themes of feeling of failure, feeling of fear, depression, mental preoccupation, feeling of being neglected, negative behaviors of teenagers and lack of psychological security. The second main theme was academic-occupational problems, which included job changes of parents and neglect, and finally, communication issues with acquaintances and friends. Was. In general, the results showed that teenagers with conflicting families are at risk and have psychological and communication problems.

* Corresponding Author: Khavaninzade_m@yahoo.com


How to Cite: Khavaninzade, Z., Rasouli, R., Rezaeian, H. (2023). Lived Experience of Adolescents of Families with Marital Conflict in Iran, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 14(54), 85-114.

Keywords: Marital Conflict, Family, Adolescent Children.




تجربه زیسته فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی در ایران


دانشجوی دکتری، رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی،
دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

زهرا خوانین‌زاده * 

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه
الزهراء، تهران، ایران

رؤیا رسولی 

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه
الزهراء، تهران، ایران

حمیدرضا رضاییان فرجی 

چکیده

تعارض زناشویی آسیبی است که خانواده‌های مختلف ممکن است با آن درگیر باشند. این پژوهش باهدف شناسایی تجارب فرزندان نوجوان در معرض تعارض زناشویی والدین انجام شد. روش پژوهش حاضر کاربردی و از نوع کیفی پدیدارشناسی بود. جامعه این پژوهش شامل فرزندان نوجوان در معرض تعارض زناشویی والدین بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و تا مرز اشباع و نهایتاً انتخاب ۱۲ فرزند ادامه یافت و شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق قرار گرفتند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، منجر به شناسایی ۳ مضمون اصلی، ۱۲ مضمون فرعی و ۴۲ مفهوم اولیه شد. مضمون اصلی نخست، مشکلات روان‌شناختی شامل مضمون‌های فرعی احساس شکست، احساس ترس، افسردگی، مشغولیت ذهنی، احساس نادیده گرفته شدن، رفتارهای منفی نوجوانان و عدم تأمین امنیت روانی بود. مضمون اصلی دوم، مشکلات تحصیلی-شغلی بود که مشتمل بر تغییرات شغلی والدین و اهمال‌کاری می‌شد و درنهایت، مسائل ارتباطی با آشنایان و دوستان چهارمین مضمون اصلی، شامل پذیرش نوجوان، احساس شرم و سرخوردگی و پنهان‌کاری توسط نوجوان بود. درمجموع، نتایج نشان داد نوجوانان دارای خانواده‌های متعارض، در معرض خطر و مشکلات روان‌شناختی و ارتباطی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تعارض زناشویی، خانواده، فرزندان نوجوان.

مقدمه

خانواده، پایه و اساس هر جامعه محسوب می‌شود و ضمن اینکه کانون آسایش و آرامش است، محل برخورد عقاید و نگرش‌های زوج‌ها نیز می‌باشد. در بسیاری از موارد، این تعارض‌ها مفید بوده و موجبات رشد خانواده را در پی داشته است؛ اما امروزه رفتارهای متضاد و مخالف در خانواده‌ها افزایش یافته و این امر به افزایش آسیب در خانواده منجر شده است (مرادی و صادقی، ۱۳۹۸). وقتی این تعارضات حاد شود، ممکن است به خواسته‌های برآورده نشده، مشکلات روانی و نارضایتی در سطح روابط خود و حتی در ارتباط با فرزندان کشیده شود (دیلدار^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). لذا تعارضات زناشویی^۲ می‌بایست به‌عنوان یک عامل مهم خانوادگی و مرتبط با مشکلات خانواده در نظر گرفته شود (کورشید^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). تعارض زناشویی به‌عنوان هر اختلاف و بحث در مورد مسائل خانوادگی تعریف می‌شود و این شامل انواع اختلافات روانی و جسمی است (لی و لئو^۴، ۲۰۲۰). همچنین تعارضات زناشویی به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان شاخص اصلی همبستگی خانواده با شاخص‌هایی مانند استرس و عملکرد خانواده رابطه دارد (ژو و بوهرلر^۵، ۲۰۱۹). فرایند تعارض از پنج مرحله تشکیل شده است: ۱- مخالفت‌های بالقوه که مبین وجود شرایطی خواهد بود که زمینه ایجاد تعارض را فراهم کند. ۲- بروز تعارض که می‌تواند به‌صورت تعارض ادراک‌شده یا احساس شده خود را نشان دهد. ۳- قصد و نیت، در این مرحله فرد تصمیم به انجام کار به شیوه‌ای مشخص و معین خواهد گرفت. ۴- رفتار که شامل ابراز مخالفت، کنش و واکنشی خواهد بود که طرف‌های درگیر و مخالف از خود نشان خواهند داد. ۵- پیامدهای تعارض که می‌تواند سازنده یا مخرب باشد (رابینز^۶، ۲۰۱۸).

^۱Dildar, S. et al.

^۲marital conflicts

^۳Khurshid, S. et al.

^۴Li, X. & Liu, Q.

^۵Zhou, N. & Buehler, C.

^۶Robbins, S.P.

از سوی دیگر، تحقیقات نشان می‌دهد، علاوه بر این که ویژگی‌های فردی والدین بر رفتار فردی و بین فردی فرزندان تأثیر می‌گذارد، رفتارهای بین والدین نیز بر روابط بین فردی و درون فردی فرزندان تأثیرگذار است (دیویس^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). فوسکو و گریچ^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «مثلث سازی نوجوانان در تعارضات والدین: تأثیرات طولی در ارزیابی‌های نوجوانان و روابط والد-نوجوان» به این نتیجه دست یافتند که مثلث‌سازی نوجوانان در هنگام تعارضات بین والدینی باعث ایجاد اختلافات و درگیری‌ها بین نوجوانان و والدین می‌شود. جرارد^۳ و همکاران (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود با عنوان «تعارضات زناشویی، روابط والد کودک و ناسازگاری» به این نتیجه رسیدند که علت تعارض نوجوانان تعارضات زناشویی است که به‌مرورزمان باعث ایجاد تعارضات والد-فرزندی می‌شود. رضاپورمیرصالح و همکاران (۱۴۰۱) نیز نشان دادند که تعارض والدین می‌تواند علتی بر کاهش بهزیستی و ناامیدی نوجوانان باشد؛ بنابراین دور از ذهن نیست که تعارضات زناشویی والدین، مشکلات روان‌شناختی بیشتری را برای فرزندان به همراه دارد و احتمال افسردگی و اضطراب به‌خصوص در فرزندان نوجوان بیشتر است (کورس^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). اگر با تعارض به وجود آمده در بین اعضای خانواده به‌درستی برخورد شود، به رشد رابطه کمک می‌کند؛ اما اگر طرفین درگیر در تعارض، نحوه برخورد با تعارض را ندانند، نه‌تنها مشکل موجود رفع نخواهد شد؛ بلکه به تداوم رابطه نیز آسیب می‌رساند (ویلمز^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

علاوه بر این، بررسی‌های مختلف نشان داده‌اند که در دوران بلوغ فرزندان، تضاد بین والدین - نوجوان افزایش می‌یابد، تغییراتی در روابط آن‌ها ایجاد می‌شود و صمیمیت و اتحاد بین آن‌ها تا حدودی کاهش می‌یابد (برت و کلامپ^۶، ۲۰۱۴). در واقع نوجوانی یکی

^۱ Davis, K. D. et al.

^۲ Fosco, G. M. & Grych, J. H.

^۳ Gerard, J. et al.

^۴ Kouros, C. D. et al.

^۵ Willems, Y. E. et al.

^۶ Burt, S. A & Klump, K. L.

از دوره‌های مهم رشد فرد است و بهترین فرصت برای آموختن، اندوختن و شکفتن است. یکی از جنبه‌های مهم رشد در دوران نوجوانی شکل‌گیری هویت است. به عبارتی کاوش در خویشتن و تلاش برای پاسخ به پرسش من کیستم؟ همواره از مسائل جذاب و چالش‌برانگیز از ابتدا تا حال بوده به نحوی که موضوع هویت و هویت‌سازی از جدیدترین مباحث عصر پسا مدرن است (بلباسی و باقری، ۱۳۹۹). حال اگر این سردرگمی و بحران هویت در نوجوانان همراه با تعارضات زناشویی والدینشان باشد، منجر به مشکلات دوچندان روان‌شناختی در افراد می‌گردد (مارسیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). در جدیدترین پژوهش خضری و همکاران (۱۴۰۰)، بیان کردند که ایجاد محیط رابطه مدار در خانواده و تأمین نیازهای رشدی مراقبت از فرزند در کنار متعهد کردن او به مسئولیت‌هایش می‌تواند به افزایش کیفیت رابطه والدین و فرزندانشان کمک کند و منجر به ایجاد جوی امن و آرام در کانون خانواده شود. همچنین رادترکی^۲ و همکاران (۲۰۲۱) اظهار کردند کاهش حضور و پاسخگویی والدین، سبب تعارضات زناشویی و این امر زمینه‌ساز کاهش امنیت روانی فرزندان می‌گردد. مختارنیا و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان دادند تعارضات زناشویی با در نظر گرفتن عوامل میانجی در پیش‌بینی تعارضات والد-نوجوان نقش دارد. همچنین می‌توان بیان کرد که مدل بافتی-شناختی قابلیت تبیین تعارضات والد-نوجوان را دارد.

در همین راستا بر اساس نظریات پیرامون تعارضات زناشویی و نوجوانی می‌توان گفت، همانطور که مدل بافتی-شناختی دو مسیر را متصور شده است؛ مسیر اول اثر مستقیمی دارد که تعارضات زناشویی بر ناسازگاری فرزندان تأثیر می‌گذارد. تعارضات در این دیدگاه بر اساس ویژگی‌هایی است. این ویژگی‌ها را شامل فراوانی، شدت و حل‌وفصل تعارضات ذکر کرده‌اند. طبق این دیدگاه زمانی که فرزندان شاهد چنین رفتارهایی از والدین باشند، سازگاری آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این شرایط حتی به‌عنوان عاملی استرس‌زا و یک رویداد آسیب‌زا مطرح هستند (کامینگز^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). مختارنیا و

^۱Marceau, K. et al.

^۲Radetzki, P. et al.

^۳Cummings, E. M. et al.

همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهش تدوین و آزمون مدل گسترده‌گی حوزه‌های تعارض والد-نوجوان نیز به فراوانی اشاره کردند. دومین مسیری که در مدل بافتی-شناختی به آن توجه شده است، اثر غیرمستقیمی است که تعارضات زناشویی بر ناسازگاری‌های فرزندان می‌گذارد و عوامل میانجی در این بین، ایفای نقش می‌کنند. این عوامل شامل ارزیابی‌های فرزندان از تعارض بین والدین است. در این دیدگاه فرزندان مشاهده‌گر و پذیرنده صرف تعارضات زناشویی نیستند، بلکه شرکت‌کنندگان فعال در روابط خانوادگی هستند؛ بنابراین فرزندان در شرایط تعارضات بین والدینی پاسخ‌هایی را ابراز می‌کنند (فوسکو و گریچ، ۲۰۱۳).

لذا با توجه به پژوهش‌های اشاره‌شده در خصوص اثرگذاری تعارضات زناشویی بر فرزندان می‌توان بیان کرد که بیشتر این پژوهش‌ها کمی بوده و کمتر پژوهشی به بررسی عمیق این موضوع پرداخته است؛ بنابراین خلأ پژوهشی در زمینه کیفی احساس می‌شد. از آنجا که پژوهش‌های کیفی به واکاوی عمیق تجارب زندگی افراد می‌پردازد و اطلاعات مهمی را معلوم می‌سازد، در این پژوهش بر آن شدیم که با توجه به اهمیت دوران نوجوانی و مسائل رفتاری که زندگی نوجوانان را تهدید می‌کند و عدم پژوهش کیفی در زمینه واکاوی تجارب فرزندان نوجوان از تعارضات زناشویی، به انجام پژوهشی جدید و به‌روز اقدام کنیم؛ بنابراین نوآوری پژوهش حاضر از سه جنبه نظری، کاربردی و روش‌شناختی حائز اهمیت است. مشخص کردن تجارب زیسته فرزندان و تبیین آن‌ها زمینه را برای پژوهش‌های آزمایشی در ادامه فراهم می‌کند. در زمینه پژوهش‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌توانند از نتایج و رهنمودهای این پژوهش به‌منظور دستیابی به نتایج پایا تر بهره‌مند شوند. افزون بر این، به لحاظ روش‌شناختی تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی به کشف تجارب فرزندان در یک بستر بومی می‌پردازد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال بود که تجربیات زیسته فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارضات زناشویی چه مواردی را شامل می‌شود؟.

روش

این پژوهش با رویکردی کیفی^۱ و با روش پدیدارشناسی^۲ انجام شد. در پدیدارشناسی اساساً به آنچه توسط فرد زیسته می‌شود توجه می‌کنیم زیرا که پدیدارشناسی تلاش می‌کند معانی را آن‌طور که در زندگی تجربه می‌شود، نمایان کند (سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱). بدین دلیل برای درک تجارب زیسته فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی، روش پدیدارشناسی اتخاذ شد که به تشریح ساختار یا ماهیت تجارب زندگی و معنی بخشیدن به آن‌ها و توصیف دقیق پدیده‌ها از خلال تجارب زندگی روزمره می‌پردازد. جمعیت مورد مطالعه را فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارضات زناشویی تشکیل دادند. پس از انجام بررسی‌های لازم، نمونه‌های مورد نظر از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند^۳ انتخاب شدند. نمونه‌گیری هدفمند به منزله‌گزینه‌های واحدهای مورد مطالعه با توجه به ملاک‌های معینی می‌باشد که توسط پژوهشگر تعیین می‌شود (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق از نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی استفاده شد. در نمونه‌گیری ملاکی، ضرورت دارد افراد بر اساس ملاک خاصی مانند داشتن تجربه یک پدیده خاص انتخاب شوند (بازرگان، ۱۳۹۹). در این پژوهش نیز مشارکت‌کنندگان همگی دارای تجربه تعارضات والدینی بودند. برای به حداقل رساندن ناهمگنی افراد شرکت‌کننده در پژوهش ملاک‌های ورود در نظر گرفته شد که این ملاک‌ها عبارت بودند از: ۱- داشتن تمایل برای حضور در پژوهش، ۲- نوجوان بودن شامل محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ ساله، ۳- عدم سابقه بیماری جسمانی و روانی مزمن براساس سابقه مستندات و پرونده‌های پزشکی و روانی، ۴- تجربه تعارض والدینی براساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان و بررسی و مصاحبه اولیه پژوهشگر که ذکر شد. حجم نمونه تا اشباع داده‌ها ادامه یافت و نهایتاً ۱۲ نفر انتخاب شدند. نحوه دسترسی به نمونه پژوهش از طریق فراخوان در مدارس متوسطه و آشنایی با این افراد بود.

^۱ Qualitative

^۲ Phenomenology (Ipa)

^۳ Purposeful Sampling

پس از معرفی و قبل از مصاحبه، آنان وارد مراحل غربالگری می‌شدند تا علاوه برداشتن معیارهای وجود، در مورد اهداف پژوهش اطلاعاتی به ایشان ارائه گردد.

در این پژوهش به‌منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق محقق ساخته^۱ استفاده شد و محور اصلی سؤال‌های مصاحبه در راستای کشف تجارب زیسته فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی بود. این نوع مصاحبه به‌صورت مشارکتی بین پژوهشگر و مشارکت‌کننده انجام می‌گیرد (انصاری و همکاران، ۱۳۸۶). سؤالات اصلی مصاحبه بر اساس نظر ۳ نفر از متخصصان باتجربه و آگاه در این زمینه، دارای مدرک دکتری و فعال در زمینه خانواده‌درمانی و انجام پژوهش کیفی ساخته و تهیه شد تا دارای روایی محتوای^۲ کافی باشد و پس از تأیید متخصصین در خصوص روایی آن، مورد استفاده قرار گرفت. سؤالات مورد نظر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تجارب، آثار و پیامدها و واکنش‌های افراد را مورد بررسی قرارداد تا از طریق آن‌ها مسیر و جهت الگو مشخص شود. قبل از انجام مصاحبه، به مشارکت‌کنندگان در مورد رعایت اصول اخلاقی پژوهش توضیحات لازم داده شد و در مورد ضبط مصاحبه از مشارکت‌کنندگان اجازه گرفته شد. پس از کسب رضایتشان، به آن‌ها پیرامون حق انصراف از مصاحبه و محرمانه بودن مشخصات در کل فرایند و از بین بردن پرونده‌های صوتی و محتوای پیاده‌سازی شده آن‌ها پس از اتمام پژوهش اطمینان داده شد. سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، مصاحبه‌ها به‌دقت روی کاغذ پیاده‌سازی شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل قول‌ها از عبارت (مشارکت‌کننده شماره ۱، ۲ تا آخر) استفاده گردید و مصاحبه‌ها بین ۶۰-۹۰ دقیقه متناسب با روایات، میزان صبوری و علاقه و حال روانی مشارکت‌کنندگان در حین گفتگو به طول انجامید.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی^۳ استفاده شد که یکی از رویه‌های پرکاربرد تحلیل در تحقیقات پدیدارشناسی است (محمدپور، ۱۳۹۲). طبق این روش، پس

^۱ in-depth semi-structured made by a researcher interview

^۲ content validity

^۳ colaizzi method

از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی آن بر روی کاغذ، چندین مرتبه متن خوانده شد و در ادامه خواندن، استخراج یافته‌های مهم هر مصاحبه و جملات مهم در رابطه با تعارضات زناشویی و هم احساس شدن با نوجوانان به‌منظور درک آن‌ها، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج‌شده (فرمول‌بندی)، دسته‌بندی مفاهیم مشترک به‌دست‌آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ایده‌ها و ترکیب آن‌ها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و درنهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت‌کنندگان در راستای معبرسازی نتایج انجام شد.

جهت بررسی اعتبار و صحت داده‌های پژوهش، از چهار معیار قضاوت شامل اعتبار^۱ انتقال‌پذیری^۲، اطمینان‌پذیری^۳ و تأیید‌پذیری^۴ که توسط گوبا و لینکن (۱۹۹۴) پیشنهاد شده است استفاده گردید. برای بررسی اعتبار، از نظرات اساتید در ارتباط با روند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها استفاده شد. برای بررسی اطمینان‌پذیری داده‌ها از نظارت همکاران متخصص استفاده و متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر مفهوم‌بندی‌ها به همکاران ارائه شد. برای رسیدن به اصل انتقال‌پذیری، سعی شد از مشارکت‌کنندگان در سطوح مختلف شغلی، اجتماعی و فرهنگی استفاده گردد. افزون بر این جهت تأیید‌پذیری، سعی شد پژوهشگران قضاوت‌ها و سوگیری‌های خود را تا حد امکان در کار دخالت ندهند و با ثبت همه مراحل انجام کار و داده‌های حاصله و حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش به تضمین قابلیت تأیید این پژوهش کمک نمایند.

یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر تعداد ۱۲ نفر از فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی بودند که اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

شرکت‌کننده	سن	جنس	مدت‌زمان تعارض والدین
------------	----	-----	-----------------------

^۱ Validity

^۲ Transferability

^۳ Reliability

^۴ Confirmability

مدت‌زمان تعارض والدین	جنس	سن	شرکت‌کننده
۵ سال	دختر	۱۳	۱
۱۰ سال	دختر	۱۵	۲
۲ سال	دختر	۱۶	۳
۲ سال	دختر	۱۴	۴
۹ سال	دختر	۱۵	۵
۱ سال	پسر	۱۵	۶
۳ سال	پسر	۱۶	۷
۵ سال	پسر	۱۷	۸
۳ سال	پسر	۱۶	۹
۲ سال	پسر	۱۷	۱۰
۴ سال	پسر	۱۵	۱۱
۲ سال	پسر	۱۴	۱۲

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، ۱۲ نفر از فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی در بازه سنی ۱۳-۱۷ سال در پژوهش حاضر شرکت کردند. از بین ۱۲ نفر شرکت‌کننده، تعداد ۵ نفر (۴۱/۶۶ درصد) دختر و ۷ نفر (۵۸/۳۳ درصد) پسر بودند. همچنین میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۵/۲۵ سال و میانگین مدت‌زمان تعارض زناشویی والدینشان ۴ سال بود. در جدول شماره ۲ تجارب فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی در قالب مفاهیم و مضامین ارائه شده است:

جدول ۲. مضامین باز، محوری و هسته‌ای شرکت‌کنندگان

مضامین هسته‌ای	مضامین محوری	مفاهیم اولیه (باز)
چالش‌های روان‌شناختی	احساس شکست	شکست در خانواده
		شکست در رابطه زناشویی والدین
		شکست در رابطه والد-فرزندی
	احساس ترس	نامیدی نسبت به آینده
		ترس از گفتن مشکل
		ترس از ترک والد
		ترس از قضاوت آشنایان

مضامین هسته‌ای	مضامین محوری	مفاهیم اولیه (باز)
	افسردگی	غم و اندوه
		عدم قبول مشکل
	مشغولیت ذهنی	اقدام به خودکشی
		گوشه‌گیری
	احساس نادیده گرفته شدن	گریه کردن
		نشخوار فکری
	رفتارهای منفی نوجوانان	مقایسه ذهنی
		آشفته‌گی در خواب
	عدم تأمین امنیت روانی	تعمیم دهی افراطی
		برخورد نادرست با نوجوانان
	تغییرات شغلی والدین	عدم توجه به هویت‌یابی
		عدم توجه به استقلال نوجوان
	اهمال‌کاری	عدم توجه به بلوغ
		سرزنش‌های غیرمنصفانه
	مسائل ارتباطی با آشنایان و دوستان	عدم رعایت قوانین
		فاصله‌گیری اجتماعی
	پذیرش نوجوان	پر خاشگیری در مدرسه
		عدم توجه به حق فرزند
	مشکلات تحصیلی-شغلی	آزار همسر
		خشونت نسبت به فرزندان
	پدیرش نوجوان	کاهش انگیزه
		اخراج از محل کار
	حمایت خانواده و دوستان	بی‌کاری و عدم مسئولیت‌پذیری
		عقب ماندن در کارهای تحصیلی
		بی‌انگیزگی تحصیلی
		همدلی در روابط دوستانه
		امیدواری دادن
		خنثی رفتار کردن
		حمایت خانواده و دوستان

مفاهیم هسته‌ای	مضامین محوری	مفاهیم اولیه (باز)
	احساس شرم و سرخوردگی	آگاهی دادن دوستان و خانواده
		احساس ترحم توسط اطرافیان
		رنجش در روابط
	پنهان کاری توسط نوجوان	نگرانی از دست دادن روابط
		عدم آگاهی از حل مشکل
		نگرانی از سرزنش دوستان

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص پدیدارشناسی تجارب فرزندان نوجوان در معرض تعارض زناشویی والدین، منجر به تولید ۳ مضمون اصلی، ۱۲ مضمون فرعی و ۴۲ مفهوم اولیه شد. مضمون مشکلات روان‌شناختی شامل احساس شکست، احساس ترس، افسردگی، مشغولیت ذهنی، احساس نادیده گرفته شدن، رفتارهای منفی نوجوانان و عدم تأمین امنیت روانی بود. مشکلات تحصیلی-شغلی مربوط به تغییرات شغلی والدین و اهمال کاری بود و در نهایت مسائل ارتباطی با آشنایان و دوستان شامل پذیرش نوجوان، احساس شرم و سرخوردگی و پنهان کاری توسط نوجوان بود.

در این بخش به تبیین مضمون‌های فرعی و مفاهیم اولیه هر کدام از مضمون‌های اصلی و ذکر مصادیق می‌پردازیم.

مضمون اول: چالش‌های روان‌شناختی

احساس شکست: اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها نشان داد که بخشی از ادراک مشارکت‌کنندگان از مشکلات روان‌شناختی، به صورت احساس شکست خود را نشان می‌دهد. در واقع شکست در خانواده، شکست در رابطه زناشویی والدین، شکست در رابطه والد-فرزندی و ناامیدی نسبت به آینده سبب شده بود فرزندان احساس شکست کنند و بعضاً واکنش‌های رفتاری ناسازگارانه را نشان دهند.

«اعصابم از مامان و بابام خیلی خورد شده بود. اونا بلد نیستند چجوری بچشونو بزرگ کنند و من احساس می‌کنم دچار شکست شدنم» (مشارکت‌کننده شماره ۳)

«امید به زندگی ندارم، امیدم رو از دست دادم و می‌گم دیگه آینده‌ای ندارم. پدر و مادرم به‌زودی از هم جدا می‌شند» (مشارکت‌کننده شماره ۸)

احساس ترس: همچنین درزمینه احساس ترس نیز، مشارکت‌کنندگان ترس‌های گوناگونی را با خود حمل می‌کردند. ترس از بیان کردن مشکل، ترس از ترک والد و ترس از قضاوت آشنایان از جمله ترس‌ها و نگرانی‌ها بود.

«می‌ترسم مشکل مامان و بابام رو به کسی بگم. می‌ترسم قضاوتم کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۲)

«هر شب فکر می‌کنم صبح که بلندشم مامانم یا حتی بابام مارو گذاشته و رفته. آخه خیلی دعوا می‌کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۵)

افسردگی: در همین راستا برخی از مشارکت‌کنندگان درگیر افسردگی شده بودند. ابعادی که این افراد افسردگی را نشان می‌دادند شامل: غم و اندوه، عدم قبول مشکل، اقدام به خودکشی، گوشه‌گیری و گریه کردن بود. درواقع فرزندان به دلیل جو متشنج خانواده نتوانسته بودند هیجانات منفی خود را مدیریت نمایند.

«هر وقت مامانم اینا دعوا می‌کنند من تا چند روز ناراحتم و اصلاً دوست ندارم با کسی حرف بزنم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۰)

«یه بار که مامانم و بابام دعوی بدی کردند تا صبح گریه کردم و حتی می‌خواستم خودمو بکشم تا از زندگی با اینا راحتشم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۱)

مشغولیت ذهنی: مشکل روان‌شناختی دیگری که مشارکت‌کنندگان گزارش کردند، مشغولیت ذهنی بود که دربرگیرنده نشخوارفکری، مقایسه ذهنی، آشفتگی در خواب و تعمیم دهی افراطی می‌شد. تعداد اندکی از مشارکت‌کنندگان جدای از بیداری، در هنگام خواب نیز دچار آشفتگی بودند و به عبارتی تعارض والدین به ابعاد مختلف زندگی تعمیم یافته بود.

«همش زندگی خودمو با بقیه مقایسه می‌کردم. چرا مامان و بابای دوستانم باهم خوبند ولی مامان و بابای من همیشه مشکل دارند» (مشارکت‌کننده شماره ۱)

«خیلی شب‌ها خواب‌های بد می‌بینم و به جوری انگار اختلاف پدر و مادرم تو همه قسمت‌های زندگی‌م اثرگذار» (مشارکت‌کننده شماره ۷)

احساس نادیده گرفته شدن: یکی از مضمون‌های فرعی در این طبقه احساس نادیده گرفته شدن بود که دربرگیرنده برخورد نادرست با نوجوانان، عدم توجه به هویت یابی، عدم توجه به استقلال نوجوان، عدم توجه به بلوغ و سرزنش‌های غیرمنصفانه می‌شد.

«مامانم و بابام اصلاً به سن من توجه نمی‌کنند. انگار نه انگار من تو سنی هستم که داره هویت‌م شکل می‌گیره و ملاحظه منو نمی‌کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۵)

«من به نوجوونم که استقلال رو دوست دارم ولی بابام همش منو سرزنش می‌کنه و کلاً تو خونه مثل بچه‌ها باهام رفتار می‌کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۶)

رفتارهای منفی نوجوانان: این مضمون شامل عدم رعایت قوانین، فاصله‌گیری اجتماعی و پرخاشگری در مدرسه بود. فرزندان شرکت‌کننده به دلیل الگوگیری نامناسب از رفتارهای والدین همان رفتارها را انجام داده و سبب بروز مشکلاتی می‌شدند.

«من خیلی تو مدرسه عصبانی‌ام و به جورایی دوست دارم همه رو بزیم؛ خب چون تو خونه منو خیلی می‌زنند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۱)

«چون تو خونه کسی به هم قوانین رو یاد نداده، منم هیچ جا انجامش نمی‌دم یعنی اینکه کلاً بی‌خیال می‌شم و کار خودمو می‌کنم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۲)

عدم تأمین امنیت روانی: عدم توجه به حق فرزند، آزار همسر و خشونت نسبت به فرزندان از جمله مشکلات روان‌شناختی بود. به عبارتی دیگر مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که والدینشان به دلیل داشتن اختلاف و تعارض با یکدیگر در اکثر اوقات به تأمین نیازهای روانی فرزندان نمی‌پرداختند و از لحاظ روانی نیز فرزندان و همسر را اذیت می‌کردند.

«بابام خیلی مامانمو اذیت می‌کنه و اصلاً به فکر خانوادش نیست. چون معتاده»
(مشارکت‌کننده شماره ۱)

«انگار خونه میدون جنگ. خیلی من مورد کتک و خشم پدرم بودم»
(مشارکت‌کننده شماره ۷)

مضمون دوم: مشکلات تحصیلی-شغلی

تغییرات شغلی والدین: این مضمون شامل کاهش انگیزه، اخراج از محل کار و بیکاری و عدم مسئولیت‌پذیری می‌شد و به علت این بود که زوج‌های متعارض رضایت زناشویی مناسبی نداشتند و اغلب دچار بی‌انگیزگی در فعالیت‌های روزانه و شغلی گشته بودند.

«چون روابط خونمون گرم و صمیمی نیست، انگار مامانم انگیزه‌ای برای کار کردن نداره» (مشارکت‌کننده شماره ۴)

«بابامو به خاطر اینکه دیر می‌رفت سرکار اخراج کردند. چون شب‌ها تا صبح دعوا می‌کردند. این منو خیلی اذیت می‌کنه» (مشارکت‌کننده شماره ۶)

اهمال کاری: در نهایت، اهمال‌کاری با مضامین عقب‌ماندن از کارهای تحصیلی و بی‌انگیزگی تحصیلی یکی دیگر از مضامین به‌دست آمده از مشارکت‌کنندگان بود. در واقع

فضای ناآرام خانه زمینه را برای تعلل یا انجام ندادن فعالیت‌های روزمره و تحصیلی فرزندان آماده کرده بود.

«از بس مامان و بابام باهم مشکل دارن، از تکلیف مدرسه و کلاس زبانم می‌مونم»
(مشارکت‌کننده شماره ۴)

«خیلی تو درسام عقیم و همش کارهای مدرسه رو می‌اندازم برای آخر شب‌ها که انجامش بدم. چون دعوا می‌کنند نمی‌تونم انجام بدم و بی‌انگیزه شدم»
(مشارکت‌کننده شماره ۸)

مضمون سوم: مسائل ارتباطی با آشنایان و دوستان

پذیرش نوجوان: از جمله مضامین اشاره‌شده توسط مشارکت‌کنندگان پذیرش نوجوان بود که دربرگیرنده همدلی در روابط دوستانه، امیدواری دادن، خنثی رفتار کردن، حمایت خانواده و دوستان و آگاهی دادن دوستان و خانواده بود. در واقع در کنار رفتارهای نامناسبی که خود نوجوانان و یا والدین و اطرافیان با آنان داشتند، عده‌ای نیز بودند که به صورت مناسب با آنان رفتار می‌کردند.

«رابطم با دوستانم خیلی خوبه. هر وقت از مشکلات خونه براشون میگم، قضاوت نمی‌کنند. حرفامو می‌شنوند و بی‌خیال میشند» (مشارکت‌کننده شماره ۸)

«خانواده پدری و مادریم خیلی هومو دارن. همیشه پشت من هستند. چون خودشون بچه هم سن و سال من دارن، سن منو درک می‌کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۰)

احساس شرم و سرخوردگی: این مضمون شامل احساس ترحم توسط اطرافیان و رنجش در روابط بود. بنا به نظر مشارکت‌کنندگان از اینکه در روابط مختلف دیگران بخواهند به آنان احساس ترحم داشته باشند، احساس ناخوشایند و تحقیر شدن دریافت می‌نمودند.

«اینکه اطرافیانم بخوان بگن این به چیست، گناه داره و برام دلسوزی کنند به خاطر مشکلات پدر و مادرم حالمو بد می‌کنه» (مشارکت‌کننده شماره ۹)

«خیلی از وقت‌ها مخصوصاً موقع تفریحات یا وقت‌هایی که تنهایی میرم خونه اقوام، اینکه پشت سر مامان و بابام حرف می‌زنند، اذیتم می‌کنه» (مشارکت‌کننده شماره ۱۱)

پنهان کاری توسط نوجوان: درنهایت پنهان کاری، مضامین نگرانی از دست دادن روابط، عدم آگاهی از حل مشکل و نگرانی از سرزنش دوستان را دربر می‌گرفت. بسیاری از مشارکت‌کنندگان گمان می‌بردند که مشکلات والدین آنان غیرقابل حل می‌باشد و دائم نگران سرزنش از سمت اطرافیان بودند.

«من پیش همه درد و دل نمی‌کنم، چون می‌ترسم به گوش مامان و بابام برسه و کلاً بخوان جدا شدن» (مشارکت‌کننده شماره ۳)

«من فکر می‌کنم این مشکلی که والدینم دارند و نمی‌تونند باهم حرف بزنند تا ابد حل نمی‌شه» (مشارکت‌کننده شماره ۱۲)

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی تعارضات بین والدین یکی از مشکلاتی است که نوجوانان سراسر دنیا با آن مواجه هستند و تقریباً همه فرزندان حدی از تعارض بین والدین را تجربه و آن را به‌عنوان منبع تنیدگی معرفی می‌کنند (کامینگز و همکاران، ۲۰۱۳). بر همین اساس پژوهش‌ها اشاره کرده‌اند که نزاع و تعارض‌های مداوم بین والدین برای فرزندان هم از سهل‌گیری افراطی و هم از محدودیت افراطی ویرانگرتر است و جالب اینکه حتی در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو بزه‌کار هستند؛ اما با یکدیگر توافق دارند و شیوه‌های انضباطی همسانی از طرف آن‌ها اعمال می‌شود و تعارض زیادی وجود ندارد، میزان مشکلات روان‌شناختی در فرزندان پایین‌تر است. از همین رو به‌سادگی می‌توان تعامل‌های تعارض گونه را برای

فرزندان به‌سان یک فشار روانی (استرس) نگریست که آثار مخربی در پی دارد (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش نیز نشان داده شد که مشکلات روان‌شناختی، تحصیلی-شغلی و مسائل ارتباطی؛ از جمله مواردی است که زندگی فرزندان نوجوان خانواده‌های متعارض را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نتیجه‌گیری، با تجزیه و تحلیل داده‌ها، خود را در قالب ۳ مضمون اصلی، ۱۲ مضمون فرعی و ۴۲ مفهوم اولیه بازشناساند.

مشکلات روان‌شناختی

همان‌طور که یافته‌ها نشان داد مشکلات روان‌شناختی از جمله موضوعاتی است که نوجوانان در خانواده‌های دچار تعارض زناشویی درگیر آن هستند. احساس شکست که از مضامین استخراج‌شده این پژوهش است اغلب ریشه در سابقه سوءاستفاده، قلدری، هیجانات بسیار سرکوب‌شده، غفلت و یا فقدان محبت دارد (اندروز^۱ ۱۹۹۸). هنگامی که خانواده به‌خوبی با فرزندان کار کند، باعث می‌شود که اعضای خانواده با احتمال کمتری دچار مشکلات روان‌شناختی شوند، عملکردهای منسجم‌تری داشته باشند، قادر به انطباق با عوامل استرس‌زا باشند، قواعد و مرزهای خانوادگی مشخص و آشکاری داشته باشند و در نتیجه تمایل کمتری به شکست داشته باشند (محمدعینی و همکاران، ۱۳۹۹). احساس ترس از جمله چالش‌های دیگر نوجوانان و از دیگر مضمون‌های مرتبط با مشکلات روان‌شناختی بود. ترس احساسی ناخوشایند و اغلب همراه با تنش‌هایی است که تغییر در زندگی عادی و روزمره ایجاد می‌کند. هرچقدر ترس در دوران مشکل بیشتر باشد، میزان درک افراد از آنچه پیرامون او می‌گذرد کمتر می‌شود، اهداف وی بیشتر به سمت رهایی فوری از آن چیز سوق پیدا می‌کند و فشار روانی وارده بر فرد بیشتر می‌شود (عزتی، ۱۳۹۱). مضمون افسردگی نیز با زیرمجموعه غم و اندوه، عدم قبول مشکل، اقدام به خودکشی، گوشه‌گیری و گریه کردن مشخص شد. در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی افسردگی وجود غم، پوچی، یا خلق تحریک‌پذیر، همراه با تغییرات

^۱ Andrews, B.

جسمانی و شناختی است که به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر توانایی و عملکرد فرد تأثیر می‌گذارد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۴۰۰). غمگینی آشکارترین علامت هیجانی افراد مبتلا به افسردگی است (زارع، ۱۳۹۴) که منجر به اختلال در عملکرد شغلی، روابط اجتماعی و بین‌فردی می‌شود. گوشه‌گیری نیز به معنای تنها و مجرد و در خلوت نشستن و از جمع کناره گرفتن است. البته هر نوع عزلت و در تنهایی ماندن، گوشه‌گیری تلقی نمی‌شود. انسان گاه‌گاه‌گاهی دوست دارد تنها باشد تا به خودشناسی و حل مشکلات زندگی پردازد. گوشه‌گیری زمانی حالت بیماری پیدا می‌کند که فرد از آمیزش با جمع و هموعان بیزار و بیمناک باشد. در این مورد اگر گوشه‌گیری به‌موقع درمان نشود، به پیدایش حالت روانی شدید و افسردگی منجر می‌شود (شفیع آبادی، ۱۳۹۰). مشغولیت ذهنی نیز جزو مضمون‌های اشاره‌شده توسط شرکت‌کنندگان بود. مشغولیت علاوه بر درگیری ذهنی و نگرانی، شبیه مفهوم آمیختگی ذهن و عمل است که به عقایدی اشاره دارد که در آن افکار و اعمال به‌طور غیرقابل‌تفکیکی به یکدیگر پیوسته و متصل‌اند (هزل^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). آمیختگی فکر و عمل دو شکل خاص دارد: ۱- احتمال آمیختگی (یعنی اعتقاد به اینکه افکار ناخواسته و مزاحم، می‌توانند باعث وقوع حوادث خاصی شوند و یا احتمال وقوع حوادث خاصی را افزایش دهند) و ۲- اخلاق آمیختگی فکر و عمل (یعنی اعتقاد به اینکه افکار غیرقابل‌پذیرش و مزاحم از لحاظ اخلاقی برابر و معادل با اعمال و رفتارهای آشکار غیرقابل‌پذیرش است (مئوزی^۲ و همکاران، ۲۰۱۶) که در این پژوهش شرکت‌کنندگان هر دو شکل را اشاره کردند. یکی از مضامین اشاره‌شده توسط مشارکت‌کنندگان نیز احساس نادیده گرفته شدن بود. در واقع سال‌های نوجوانی با تغییرات برجسته جسمانی، شناختی، اجتماعی و هیجانی که با آغاز بلوغ شروع می‌شود، مشخص می‌شود. تحقیق نشان می‌دهد که تعارض در سال‌های نوجوانی افزایش می‌یابد و در تعامل‌های بین نوجوانان و والدین آن‌ها بسیار آشکار است. حال اگر از قبل، تعارضات زناشویی نیز وجود داشته باشد، این مشکلات دوچندان می‌شود و حس نادیده گرفته شدن

^۱ Hezel, D. M. et al.

^۲ Mauzay, D. et al.

به نوجوان دست می‌دهد (الیسون، ۲۰۰۰). رفتارهای منفی نوجوانان یکی دیگر از مضامین به‌دست‌آمده است. گریچ و فینکام^۲ (۲۰۰۱) معتقدند که هنگام تعارض زناشویی، فرزندان به‌شدت احساس تنش می‌کنند. اگر برای کاهش تنش نتوانند راهبرد مناسبی به کار بگیرند، احساس سردرگمی می‌کنند و به‌شدت متشنج می‌شوند؛ بنابراین با به خطر افتادن امنیت هیجانی، نوجوان دشواری در تنظیم هیجانی و عاطفه منفی را تجربه می‌کند؛ در نتیجه نمی‌تواند روابط خود را با والدینش تنظیم کند و این امر را به مسائل بیرونی و اجتماعی نیز تعمیم می‌دهد. پژوهش‌ها نشان داده است که تعارض والد-نوجوان با ناسازگاری‌های رفتاری دوره نوجوانی مانند پرخاشگری، عدم رعایت قوانین و مقررات و اجتناب همراه است (روستایی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین از آنجایی که در خانواده‌هایی که تعارض‌های شدیدی وجود دارد، الگوهای شناختی نادرست دیگری نظیر عقاید خشک و انعطاف‌ناپذیر که جلوی تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک را می‌گیرد و همچنین تفسیر منفی از وقایع، مشاهده می‌شود که به‌نوبه خود، باعث بروز عواطف خشونت‌آمیز می‌شود؛ در نتیجه نوجوانان وقتی با درگیری‌های مداوم با والدین مواجه می‌شوند، اغلب احساس درماندگی می‌کنند و گمان می‌کنند نوجوانی آنان درک نشده و به استقلال و بلوغ نوجوان اهمیت نمی‌دهند. والدین هم به دلیل نگران بودن و ناآشنا بودن با طرز برخورد صحیح با نوجوانان موجب مشکلات دیگری می‌شوند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴). عدم تأمین امنیت روانی نیز از جمله دیگر مضمون‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش می‌باشد. پژوهش‌ها نشان داده در خانواده‌هایی که همسران دارای تعارض‌اند، الگوهای ارتباطی اندک است، حقوق یکدیگر و حتی فرزندان را رعایت نمی‌کنند و عمدتاً در صورت تشدید مشکلات به آزار و اذیت یکدیگر منجر می‌شود (کوئرر و فیتزپتریک^۳، ۲۰۰۲). همچنین تعارض در خانواده منبع استرس برای اعضاء می‌شود و با پیامدهای منفی از جمله خطراتی برای سلامتی همسران، عدم تمایل به تأمین نیازهای زندگی، بدخلقی با همسر و فرزندان و کاهش

^۱ Allison, B. N.

^۲ Grych, J. H. & Fincham, F. D.

^۳ Koerner, A. F. & Fitzpatrick, M. A.

بهداشت روانی همراه است (گریواچ و مارکس، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر نیز مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند عدم تأمین امنیت روانی نظیر عدم توجه به زندگی و آزار همسر و فرزندان سبب مراجعه خانواده‌های آنان به مشاور و یا دادگاه‌های خانواده شده و شرایط محیط خانواده سبب تأثیرگذاری بر رفتار آنان گردیده است.

مشکلات تحصیلی-شغلی

مشکلات تحصیلی-شغلی با زیر مضمون تغییرات شغلی و اهمال‌کاری یکی دیگر از چالش‌های فرزندان در معرض تعارضات زناشویی والدین بود. مشکلات تصمیم‌گیری شغلی از دو نوع ریشه‌های عمیق شخصیتی و رشدی ناشی می‌شود. مشکلات رشدی شغلی که در پژوهش حاضر موردنظر است، به آن دسته از موانع و دشواری‌هایی گفته می‌شود که به شکل فقدان آمادگی (شامل فقدان انگیزه، بلا تصمیمی، افکار ناکارآمد، تبعیض‌ها)؛ فقدان اطلاعات (در ارتباط با خود و دیگری) و اطلاعات ناهمسان (تعارضات درونی و بیرونی) موجب اختلال عملکرد فرد در فرایند شغلی می‌شود (بابارویک و سورکو، ۲۰۱۹). در خانواده‌هایی که تحقیر، سرزنش و تهدید وجود دارد؛ ارتباط مناسب و توأم با اعتماد در بین اعضاء وجود ندارد، اغلب سرپرست خانواده دچار بی‌انگیزگی و بی‌مسئولیتی می‌شود، نقش‌ها و وظایف اعضاء درست طبقه‌بندی نشده، همراهی عاطفی وجود ندارد و در نتیجه افراد و به‌خصوص پدر خانواده تمایلی به کسب درآمد برای برآورده کردن نیازهای خانواده را ندارد (قمری، امیری‌مجد و خوشنام، ۱۳۹۳). در واقع بر اساس همان رویکرد یادگیری اجتماعی که ذکر شد، نوجوانی که درگیری و تعارض والدین را از طریق بیکاری و بی‌مسئولیتی والدین تجربه می‌کند، خود او نیز این شیوه را ممکن است در آینده به کار گیرد و در نتیجه مشکلات و درگیری‌ها سلسله‌وار ادامه داشته باشد؛ چراکه نیازهای هیجانی آن‌ها در نتیجه عدم تعامل صحیح والدین، ارضا نشده است و الگوی مناسبی برای حل مسائل و تعارضات دریافت نکرده‌اند و در نتیجه به هنگام وقوع مشکل و

۱ Grzywacz, J. G. & Marks, N. F.

۲ Babarović, T. & Šverko, I.

هرگونه فقدان، با احتمال بیشتری به مشکلات رفتاری و هیجانی مبتلا می‌شوند (روستایی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری یک مهارت است و همانند هر نوع مهارتی آموختنی و اکتسابی است، بالطبع از ابتدای زندگی و به تدریج ایجاد می‌شود؛ به این معنا که یک فرد هرگز نمی‌تواند رفتاری مسئولانه از خود نشان دهد، جز آن‌که آن را در طول زندگی خود بیاموزد و تکرار کند. از این رو، پرداختن به آموزش امر مسئولیت‌پذیری در نوجوانان در همه ابعاد و محیط‌ها به‌ویژه در کانون خانواده که نقطه شروع و عطف این پدیده است، برای ساختن جامعه‌ای با آینده‌ای بهتر ضرورت دارد.

یکی دیگر از مضامین بیان‌شده اهمال‌کاری بود. در تبیین این مؤلفه می‌توان گفت، اهمال‌کاری عموماً یک صفت و یا منش رفتاری برای به تأخیر انداختن انجام یک تکلیف یا تصمیم‌گیری است (میلگرام^۱ و همکاران، ۱۹۹۸). همچنین اهمال‌کاری به‌عنوان تعویق عمدی کار یا وظیفه‌ای که باید تکمیل شود تعریف می‌شود (شراو^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). از مصادیق اهمال‌کاری، اهمال‌کاری در موقعیت‌های آموزشی است. اهمال‌کاری تحصیلی و برنامه‌ریزی، به‌صورت تأخیر عمدی در انجام امور مرتبط با مطالعه نظیر خواندن، نوشتن مقالات و مطالعه برای امتحانات آشکار می‌شود. در نتیجه در انجام کامل تکالیف در چهارچوب زمانی مطلوب و مورد انتظار با شکست مواجه می‌شوند (سنکال^۳ و همکاران، ۱۹۹۵). نوجوانان شرکت‌کننده در این پژوهش نیز به دلیل مشکلات خانوادگی، اغلب در فعالیت‌های تحصیلی دچار اهمال‌کاری شده بودند؛ بنابراین می‌توان گفت رضایت از زندگی در بستر خانواده نوجوانان و داشتن زندگی خانوادگی سالم، بسترساز رشد مثبت و سلامت روان در این سن، پیشرفت تحصیلی، کاهش رفتارهای پرخطر و بزهکارانه، فراهم آمدن فرصتی مناسب برای تشکیل هویت و ایجاد روابط مبتنی بر صمیمیت و عواطف مثبت بین والد و نوجوان می‌باشد (شی^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). والدین باید بتوانند از طریق رفتار مناسب، جلب اعتماد فرزندان و توضیح دقیق حوادث و مشکلات زندگی،

^۱Milgram, N. et al.

^۲Schraw, G. et al.

^۳Senécal, C. et al.

^۴Xie, X. et al.

نگرش‌های مثبتی را در آنان نسبت به خود ایجاد کرده، تداوم بخشند و در مستحکم کردن پیوند بین فرزند و خانواده بکوشند. در غیر این صورت فرزندان دچار اهمال‌کاری می‌شوند (فولاینی، ۲۰۰۷).

مسائل ارتباطی با آشنایان و دوستان

در حیطه مسائل ارتباطی با آشنایان و دوستان نیز مشارکت‌کنندگان این پژوهش گزارش دادند که موضوعات مربوط به مضامین پذیرش نوجوان، احساس شرم و سرخوردگی و پنهان‌کاری را تجربه کرده‌اند. در واقع خانواده و دوستان می‌توانند با حمایت اجتماعی و روانی امکان زندگی سالم نوجوان را در کنار خانواده فراهم کنند که موجب تطابق مناسب می‌شود (مورفی، ۲۰۰۲).

در ارتباط با امید و انگیزه طبق نظریه اسنایدر^۳ (۲۰۰۲) می‌توان بیان کرد که امید عبارت است از ظرفیت ادراک‌شده برای تولید مسیرهایی به سمت هدف‌های مطلوب و انگیزه ادراک‌شده برای حرکت در این مسیرها. پس امید سازه‌ای دوبعدی است که تبعاتی هیجانی دارد و انگیزه را در درون خود جای می‌دهد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲). امید و انگیزه بر مبنای رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر به‌جای تمرکز صرف بر ضعف‌های انسان، توانمندی‌ها و قابلیت‌های او را مورد توجه قرار می‌دهد (مویدقاعدی و قربان شیرودی، ۱۳۹۵) که در پژوهش حاضر نیز تعدادی از مشارکت‌کنندگان به این موضوع اشاره کردند. همچنین طبق نظریه دل‌بستگی در خانواده‌های نابسامان که عوامل فشارزای متعدد نظیر مشکلات مالی، اختلافات زناشویی، بیکاری و یا آسیب‌های روانی والدین چون افسردگی مادر وجود دارد، والدین حساسیت لازم را برای مراقبت از کودک ندارند و دل‌بستگی والدین-کودک ضعیف می‌شود، در نتیجه؛ احساس ناامنی در کودک شکل می‌گیرد و موجب می‌شود وی در بزرگسالی نیز از مواجهه با محیط‌ها و مشکلات دوری نماید و یا

^۱Fulgini, A. J.

^۲Murphy, D. A.

^۳Snyder, S.

به خاطر شرم مسائل را پنهان کند (محمدخانی و ابراهیم زاده، ۱۳۹۲). شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نیز انتظار داشتند والدین، اطرافیان و محیط اجتماعی در گام اول آنان را بپذیرد تا بتوانند خود واقعی را ابراز کنند و پنهان‌کاری از بین برود. حس شرم و سرخوردگی نیز سبب می‌شود تا مشارکت‌کنندگان تمایل به حضور در جمع را نداشته باشند.

بنابراین، مسائل خانواده و نوجوانان در جامعه ما از حساسیت زیادی برخوردار است. خانواده به‌عنوان یک عامل اساسی برای حفظ سلامت جامعه محسوب می‌گردد. علاوه بر این، خانواده به‌عنوان یک واحد زیستی-اجتماعی در جهت تربیت و پرورش ابعاد مختلف روانی و رشد عاطفی مطلوب اعضای جدید جامعه (کودکان و نوجوانان) نقش اساسی ایفا می‌کند؛ بنابراین هرگونه اختلال در کارکرد تربیتی خانواده می‌تواند نتایج زیان‌باری برای کارکرد جامعه‌پذیری اعضای آن ایجاد کند. در این میان، تعارضات والدین به‌عنوان یک عامل برجسته در رشد عاطفی و جامعه‌پذیری فرزندان مطرح می‌گردد. خصوصاً برداشت و نگرش فرزندان از این تعارضات می‌تواند مبنای الگوگیری آن‌ها برای رفتارهای آتی در دوران بزرگسالی و تشکیل خانواده گردد (خواججه‌نوری و دهقانی، ۱۳۹۵). لذا لازم است تا بر روی روابط خانوادگی، بهبود مشکلات زناشویی والدین و مشکلات رابطه والدین-فرزندان بیشتر کار عملی و اجرایی انجام شود. لزوم برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای برنامه‌هایی در جهت کاستن از تنش‌های خانوادگی توسط سازمان‌های ذی‌ربط همچون سازمان بهزیستی و مراکز مشاوره و سازمان صداوسیما و نهادهای آموزشی و فرهنگی چون وزارت آموزش و پرورش و علوم و تحقیقات و فناوری و ورزش و جوانان، به‌شدت احساس می‌شود. همان‌طور که صادقی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که خودشناسی، عشق و هوش هیجانی در کاهش تعارضات زناشویی نقش معناداری دارند و نیاز به تدوین پروتکل آموزشی-درمانی برای زوجین احساس می‌شود. در مقاله حاضر سعی شد مجموعه شرایط وابسته به تعارضات زناشویی والدین و انتقال آن به فرزندان نوجوان و تجربه و ادراک آنان از این شرایط، موردبررسی و بحث واقع شود که

می‌تواند توسط مشاوران و روانشناسان، متخصصان و مسئولان خدمات بهداشت و سلامت روان، مورد استفاده قرار گیرد. چراکه اطلاعات به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان داد نوجوانان نه تنها دچار چالش‌های روان‌شناختی در هنگام تعارضات والدین می‌شوند، بلکه مشکلات تحصیلی-شغلی و ارتباطی نیز دارند که لزوم توجه به ابعاد مختلف جهت تأمین سلامت روان فرزندان را نشان می‌دهد.

با وجود اینکه پژوهش حاضر از لحاظ زیربنای نظری دارای نوآوری است؛ اما با محدودیت‌هایی نیز مواجه گردید. پژوهش حاضر در خصوص فرزندان در معرض تعارض زناشویی والدین و در سن نوجوانی صورت گرفت، بنابراین نمی‌توان در خصوص تعمیم نتایج به سایر رده‌های سنی و سبک‌های تعامل خانوادگی اظهار نظر کرد. همچنین مطالعه محدود به سؤالات خاصی می‌باشد که بر اساس ادبیات پژوهشی تدوین شده‌اند، لازم است به‌منظور درک عمیق‌تر سؤالات بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. در انتها نیز پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه در این پژوهش مؤلفه‌های مهمی در جهت شناخت واکنش‌های روان‌شناختی حاصل شد، تدوین پروتکل و برنامه مشاوره‌ای در دستور کار مشاوران و روان‌شناسان قرار گیرد.

ORCID

Zahra Khavaninzade



<https://orcid.org/>

Roya Rasouli



<https://orcid.org/>

Hamid Rezaeian



<https://orcid.org/0000-0001-8342-1588>

منابع

- اسدی، الهه، جاویدی، حجت‌الله، قاسمی، نوشادب. (۱۳۹۴). رابطه تعارض والد-نوجوان، تاب‌آوری با مشکلات روان‌شناختی نوجوانان شهر شیراز، *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۱(۱)، ۶۲-۸۸.
- بازرگان، عاس. (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران، نشر دیدار.
- بلباسی، میثم، باقری، یوسف. (۱۳۹۹). منشأ پیدایش هویت ملی، پارادایم‌ها و رویکردها. *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۱۲(۱)، ۱۸۹-۲۱۸.
- پرچم، اعظم، فاتحی‌زاده، مریم، محققیان، زهرا. (۱۳۹۲). ابعاد سه‌گانه نظریه امید اسنایدر و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم، *تحقیقات علوم قرآنی و حدیث*، ۱۰(۱)، ۱-۲۹.
- پوربافرانی، معصومه، اعتمادی، عذرا، اکبرزاده، مهدی، جزایری، رضوان‌السادات. (۱۳۹۴). نقش سبک‌های حل تعارض مادر، تعارض زناشویی مادر و سبک دل‌بستگی دختر در تعارض دختر با مادر، *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۶(۲۱)، ۱-۲۲.
- خضری، مجتبی، محمودپور، عبدالباسط، وحدانی، محبوبه، اسمعیلی، معصومه. (۱۴۰۰). پدیدارشناسی مدیریت تعارضات والد-فرزند در دوران شیوع ویروس کرونا. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۷)، ۶۷-۷۶.
- خواجه نوری، بیژن، دهقانی، رودابه. (۱۳۹۵). مشکلات نوجوانان و ارتباط آن با نهاد خانواده: مورد مطالعه: رابطه تعارضات والدینی و سلامت روان نوجوانان، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۳(۷)، ۳۷-۶۶.
- رضاپورمیرصالح، یاسر، اخوت، مهرنوش، امینی، رضیه. (۱۴۰۱). رابطه ادراک نوجوان از تعارض والدین با بهزیستی روان‌شناختی و ناامیدی در دانش‌آموزان دختر نوجوان: بررسی نقش میانجی شیوه‌های مقابله. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۲)، ۱۴۷-۱۳۲.
- روستایی‌راد، شیدا، زاده‌محمدی، علی، حبیبی‌عسکرآباد، مجتبی، قنبری، نیکزاد. (۱۳۹۷). پیش‌بینی مشکلات رفتاری نوجوانان بر مبنای رضایت از زندگی، تعارض والد-نوجوان و تکامل نوجوانی، *مجله رویش*، ۱۲(۳۳)، ۲۷-۵۰.

تجربه زیسته فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای...؛ خوانین زاده و همکاران | ۱۱۳

زارع، مهرانگیز. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در کاهش نشانگان ضربه عشق و افسردگی و افزایش و رشد پس از شکست در دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

سیگاروردی، عبدالحسین.، دهقان‌نیری، ناهید.، رهنورد، زهرا.، نوری، سعید علی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی. مجله پرستاری و مامایی جامع‌نگر. ۶۸(۲)، ۵۶-۶۳.

شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۰). اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن. تهران: انتشارات بدر.

شولتز، دوانی.، شولتز، سیدنی‌آلن. (۲۰۰۵). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۴۰۰). تهران: ویرایش.

صادقی، ایران.، صلاحیان، افشین.، صالحی، مهدیه. (۱۴۰۱). نقش خودشناسی، عشق و هوش هیجانی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۰)، ۹۹-۶۷. عزتی، نایله. (۱۳۹۱). تأثیر آگاهی از رفتارهای خود مراقبتی بر میزان ترس و اضطراب بیماران عروق قلبی (زن و مرد)، مجله زن و مطالعات خانواده، ۵(۱۷)، ۱۳۰-۱۰۷.

قمری، محمد.، امیری‌مجد، مجتبی.، خوشنام، امیرحسین. (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و تعارض والد-نوجوان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نشریه آموزش و ارزشیابی، ۷(۲۸)، ۶۲-۵۱.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. محمدعینی، زهره.، صادقی، جمال.، درتاج، فریبرز.، همایونی، علیرضا. (۱۳۹۹). مدل‌یابی روابط ساختاری تعارضات والدین و نوجوانان با پرخاشگری از طریق نقش میانجی خودکنترلی ادراک‌شده، مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۴(۱۰)، ۷۵-۶۶.

محمدخانی، شهرام.، ابراهیم زاده، ناهید. (۱۳۹۲). مشکلات روانی و رفتاری دانش‌آموزان شناسایی و مداخله، تهران: ورا دانش.

مختارنیا، ایرج.، زاده محمدی، علی.، پناغی، لیلی.، چراغی، مونا. (۱۴۰۱). تدوین و آزمون مدل گسترده‌گی حوزه‌های تعارض والد - نوجوان. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۱)، ۱۴۹-۱۸۰.

- مختارنیا، ایرج،، علیزاده محمدی، علی،، حبیبی عسگرآباد، مجتبی،، میرزایی فر، فروزان. (۱۳۹۵).
تعارضات زناشویی و تعارضات والد-نوجوان: نقش میانجی ارزیابی‌های نوجوانان از
تعارضات والدینی، *مجله خانواده پژوهی*، ۱۲(۴۸)، ۶۸۲-۶۶۳.
- مرادی، زهرا، صادقی، مسعود. (۱۳۹۸). اثربخشی خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری بر کنترل خشم
و کاهش تعارض زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره کلانتری، *روانشناسی
نظامی*، ۱۰(۴۰)، ۶۷-۶۲.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۱). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: سمت.

References

- Allison, B. N. (2000). Parent- adolescent conflict in early adolescence: research and implications for middle school programs, *Journal of Family and Consumer Sciences Education*, 18(2), 1-20.
- Andrews, B. (1998). *Shame and childhood abuse*. In *Shame: Interpersonal Behavior, Psychopathology and Culture* (eds P Gilbert, B Andrews): 176- 90. Oxford University Press.
- Babarović, T., & Šverko, I. (2019). The Validity of Career Decision-Making Difficulties Questionnaire in Croatia. *Journal of Career Assessment*, 27 (3), 391- 407.
- Burt, S.A, Klump, K.L. (2014). Prosocial peer affiliation suppresses genetic influences on non-aggressive antisocial behaviors during childhood. *Psychol Med*, 44(4):821-30.
- Cummings, E. M., George, M. R., Koss, K. J., & Davis, P. T. (2013). Parental depressive symptoms and adolescent adjustment: Responses to children's distress and representations of attachment as explanatory mechanisms. *Parenting*, 13(4), 213-232.
- Davis, K. D., Lawson, K. M., Almeida, D. M., Kelly, E. L., King, R. B., Hammer, L. & McHale, S. M. (2015). Parents' daily time with their children: A workplace intervention. *Pediatrics*, 135(5), 875-882.
- Dildar, S. Sitwat, A., & Yasin, S. (2015). Intimate Enemies: Marital Conflicts and Conflict Resolution Styles in Dissatisfied Married Couples. *Middle -East Journal of Scientific Research*, 15 (10): 1433 - 1439.
- Fosco, G. M., & Grych, J. H. (2010). Adolescent Triangulation into Parental Conflicts: Longitudinal Implications for Appraisals and Adolescent-Parent Relations. *Journal of Marriage and Family*, 72(2), 254-266.
- Fosco, G. M, & Grych, J. H. (2013). Capturing the Family Context of Emotion Regulation, a Family Systems Model Comparison Approach. *Journal of Family Issues*, 34(4), 557-578.

- Fuligni, A. J. (2007). Family obligation, college enrollment, and emerging adulthood in Asian and Latin American families. *Child Development Perspectives*, 1(2), 100-110.
- Gerard, J. M., Krishnakumar, A., & Buehler, C. (2006). Marital conflict, parent-child relations, and youth maladjustment a longitudinal investigation of spillover effects. *Journal of Family Issues*, 27(7), 951-975.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
- Grych, J. H., & Fincham, F. D. (2001). *Interparental Conflict and Child Adjustment: Theory, Research and Applications*. England: Cambridge University Press.
- Grzywacz J. G., Marks N. F. (2000). Re conceptualizing the work-family interface: An ecological perspective on the correlates of positive and negative spillover between work and family. *Journal of Occupational Health Psychology*; 5: 111-126.
- Hezel, D.M., Stewart, E., Riemann, B.C., & McNally, R.J. (2019). Clarifying the thought-action fusion bias in obsessive-compulsive disorder. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 20, 75-84.
- Khurshid, S., Peng, Y., & Wang, Z. (2020). Respiratory sinus arrhythmia acts as a moderator of the relationship between parental marital conflict and adolescents' internalizing problems. *Frontiers in neuroscience*, 13, 500.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick MA. (2002). you never leave your family in a fight: The impact of families of origins on conflict-behavior in romantic relationships. *Communication Study*, 53: 234-51.
- Kouros, C. D., Cummings, E. M. & Davies, P. T. (2010). Early trajectories of interparental conflict and externalizing problems as predictors of social competence in preadolescence. *Development and Psychopathology*, 3(22), 527-537.
- Li, X., & Liu, Q. (2020). Parent-grandparent coparenting relationship, marital conflict and parent-child relationship in Chinese parent-grandparent coparenting families. *Children and Youth Services Review*, 109, 104733.
- Marceau, K., Dorn, L. D., & Susman, E. J. (2012). Stress and puberty-related hormone reactivity, negative emotionality, and parent-adolescent relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 37, 1286- 1298.
- Mauzay, D., Spradlin, A., Cuttler, C. (2016). Devils, witches, and psychics: The role of thought-action fusion in the relationships between obsessive-compulsive features, religiosity, and paranormal beliefs. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 1, 113-120.

- Murphy DA. (2002). Mothers living with HIV/AIDS: Mental, physical and Family Functioning. *AIDS Care*, 14: 633 – 644.
- Milgram, N. Mey-Tal, G. & Levison, Y. (1998). Procrastination, generalized or specific, in college students and their parents. *Personality and Individual Differences*, 25 (2), 316-297.
- Radetzki, P. A., Deleurme, K. A., & Rogers, S. M. (2021). The implications of high -conflict divorce on adult-children: Five factors related to well-being. *Journal of Family Studies*, 52(3), 1 -21.
- Robbins, S. P (2018). *Organizational behavior, Eleventh edition*, Prentice - Hall Inc.
- Schraw, G. Wadkins, T. & Olafson, L. (2007). Doing the things, we do: A grounded theory of academic procrastination. *Journal of Educational Psychology*, 99(1), 12-25.
- Senécal, C. Koestner, R. & Vallerand R.J. (1995). Self-regulation and academic procrastination. *Journal of Social Psychology*, 135, 607-619.
- Xie, X., Zhao, F., Xie, J., & Lei, L. (2016). Symbolization of mobile phone and life satisfaction among adolescents in rural areas of China: Mediating of school -related relationships. *Computers in Human Behavior*, 64, 694 -702.
- Willems YE, de Zeeuw EL, van Beijsterveldt CEM, Boomsma DI, Bartels M, Finkenauer C. (2020). Out of control: examining the association between family conflict and self-control in adolescence in a genetically sensitive design. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry*, 59(2):254-62.
- Zhou, N., & Buehler, C. (2019). Marital hostility and early adolescents' adjustment: The role of cooperative marital conflict. *The Journal of Early Adolescence*, 39(1), 5 -27.

استناد به این مقاله: خوانین زاده، زهرا، رسولی، رؤیا، رضاییان فرجی، حمیدرضا. (۱۴۰۲). تجربه زیسته فرزندان

نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی در ایران، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۴(۵۴)، ۸۵-۱۱۴.

DOI: 10.22054/QCCPC.2023.69976.3009



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.